



فصل نامه تحلیلی-انتقادی حوزه • شماره بیستم • بهار ۱۴۰۲

آیت‌الله‌العظمی میلانی قدس سره از خودسازی تا تمدن‌سازی



غلامرضا جلالی
(عضو بازنشسته پژوهشکده اسلام تمدنی)

آیت‌الله‌العظمی میلانی قدس سره جز هوشمندی ذاتی، از سرمایه‌هایی چون قدرت نیرومند ضد استعماری و استبدادی، نوآوری و تولید دانش و حق‌گرایی و پرهیز از توهم‌زدگی برخوردار بود. ایشان با بهره‌گیری از این توانایی‌ها توانست از علوم عقلی و عرفان به‌مثابه دو ظرفیت مهم تمدنی بهره‌برد و در حوزه سیاست به گفتمان‌سازی روی آورد. آیت‌الله میلانی توانست با استفاده از آزاد اندیشی، از حجاب اعظم علم عبور کند و با پاسخ‌گویی و مشورت و آینده‌نگری و توسعه ارتباطات علمی و تولید دانش، به قدرت شگفت‌انگیز علم دست یابد. ایشان در ادامه کوشید تا از یک‌سوی راه دستیابی به اجتهاد را به نخبگان نشان دهد و از سوی دیگر، با ترویج مبانی در میان مردم، نیل به حق را که اساس تمدن‌سازی است، گسترش دهد.

درآمد

یک مرجع مجتهد میان امت ارتباط برقرار می‌کند و رابطه‌ای را پدید می‌آورد که او را از همه نهاد‌های اداری و مراکز علمی و حتی سیاسی، ممتاز می‌کند و در مقاطع گوناگون تاریخ، در جایگاه پدر امت و فرد تمدن‌ساز قرار می‌دهد. آیت‌الله میلانی جز هوشمندی ذاتی، از هریک از اساتید بزرگ خود چیزهایی آموخته بود:

۱. روحیه قدرتمند ضد استعماری و استبدادی را نزد استادش شیخ‌الشریعه اصفهانی آموزش دیده بود.
 ۲. روش‌های نوآوری و تولید علم را وامدار شیخ محمدحسین غروی اصفهانی معروف به کمپانی (۱۲۹۶-۱۳۶۱ق) بود.
 ۳. روش‌های انقطاع از خلق و اجتناب از توهمزدگی در حیات و زندگی روزمره و توجه به حق را وامدار سید علی‌آقا قاضی طباطبایی بود. ایشان از بُعد عرفان نظری، تربیت‌یافته کمپانی و از بُعد اخلاق و عرفان عملی، تربیت‌یافته میرزا علی‌آقا قاضی و سید عبدالغفار مازندرانی بود.
- آیت‌الله میلانی این سرمایه سه‌گانه را به‌مثابه میراثی گران‌قدر، همیشه و همه‌جا با خود داشت.

۱. بهره‌گیری از علوم عقلی به‌مثابه

یک ظرفیت تمدنی

آیت‌الله میلانی برای دستیابی و کشف حقیقت، به علوم عقلی توجه فراوان می‌کرد. آیت‌الله سید حسین شمس، یکی از شاگردان برجسته آیت‌الله میلانی در این رابطه و در تبیین اهمیت عقل‌گرایی در تفکر و اندیشه آیت‌الله میلانی می‌گوید:

«حضرت آیت‌الله میلانی از مرحوم آقا ضیاء اصلاً قولی را نقل نمی‌کردند. در یک جلسه خصوصی که با معظم‌له داشتم، فرمودند مرحوم آقا ضیاء معقول را ورق نزنه است؛ اما میرزای نایینی آن را ورق زده است!»

گام نوین در ترویج فلسفه در مشهد پس از رخدادهایی که در حوزه علوم عقلی در این شهر اتفاق افتاد، از سوی استاد فقیه سید جلال‌الدین آشتیانی برداشته شد. ایشان انسانی توانا و فداکار در عرصه ترویج

معارف حکمی و برخی دیگر از ظرفیت‌های معنوی تمدن‌ساز فراموش‌شده، به‌شمار می‌آمدند. از نظر آشتیانی مخالفت‌های متشرعین با حکمت و فلسفه، به‌ویژه در مشهد، آنقدر استمرار یافت که به طبیعت ثانویه تبدیل شد. او با همت خود توانست بخش‌هایی از سنت فلسفی ایران را به‌عنوان

آیت‌الله میلانی برای دستیابی و کشف حقیقت، به علوم عقلی توجه فراوان می‌کرد. آیت‌الله سید حسین شمس، یکی از شاگردان برجسته آیت‌الله میلانی در این رابطه و در تبیین اهمیت عقل‌گرایی در تفکر و اندیشه آیت‌الله میلانی می‌گوید: «حضرت آیت‌الله میلانی از مرحوم آقا ضیاء اصلاً قولی را نقل نمی‌کردند. در یک جلسه خصوصی که با معظم‌له داشتم، فرمودند مرحوم آقا ضیاء معقول را ورق نزنه است؛ اما میرزای نایینی آن را ورق زده است»



«آقای میلانی خود از اساتید مسلم فلسفه و فلسفه‌دانی ماهر بود و شاگرد مبرز و منحصر به فرد صاحب نه‌ایة‌الدرایه و صاحب منظومه تحفة‌الحکیم که برخی آن را به منظومه سبزواری ترجیح داده‌اند، بود. حضور ذهن فلسفی ایشان نیز قوی بود. یک روز در خدمت‌شان در مورد نظریه مرحوم ملاصدرا درباره مادیة‌الحدوث بودن نفس بحثی به میان آمد. ایشان وارد بیان مطلب و تشقیق صور آن شد... و نشان داد که چه اندازه بر مطالب قوم تسلط دارند.»^۳

آیت‌الله میلانی در رویکرد به فلسفه و بهره‌گیری از داده‌های آن، تحت‌تأثیر علامه غروی اصفهانی، قوی‌ترین اصولی عقل‌گرا که مباحثش رنگ فلسفی به خود می‌گرفت و از اندیشه‌ای ژرف و نظام‌مند و با چینش و ترتیبی منطقی برخوردار بود، قرار داشت. علامه غروی در بحث‌ها ساختار مشخصی داشت و موضوع‌محور نبود و با نگاه کلی و احاطه وسیع به تمام مباحث علم اصول،^۴ همیشه می‌کوشید پیچیدگی‌ها و مشکلات این علم را حل کند و هدف‌شان در دوره جدید علم اصول این بود که این دانش را تهذیب و تنقیح و تنظیم کند.

ایشان اصول را به چهار بحث تقسیم کرد:

۱. الفاظ؛
۲. ملازمات عقلی؛
۳. حجت؛
۴. اصول عملی.

یک ظرفیت تمدنی گران‌سنگ، بنمایاند و نشان دهد که قوام و پیوستگی عقلانیت ما در سده‌های گذشته چرا و چگونه بوده است و چه مکتب‌هایی در این زمینه در ایران رواج داشته‌اند. تأسف او هنگام تدریس، زمانی بیشتر می‌شد که جایگاه علوم عقلی در پیشینه فرهنگی ایران، به‌ویژه در دوره اسلامی و در خراسان و مشهد را مرور می‌کرد و نام و یاد انبوهی از حکما و دانشوران بلندپایه را به یادآوری می‌کرد که امروزه به فراموشی سپرده شده‌اند! وی معتقد بود، ایران حتی در عصر زوال علوم عقلی در ممالک اسلامی، مرکز و کانون تجدید حیات فلسفی بوده است.

آشتیانی به‌منظور تدریس فلسفه در دانشگاه مشهد به این شهر آمد و با توجه به شناخت پیشین و مشترکات فکری که در حوزه علوم عقلی از آیت‌الله میلانی داشت - این شناخت ظاهراً به سال ۱۳۷۳ هجری قمری و ارتباط آنها در شهر کربلا بازمی‌گشت^۲ - به آیت‌الله میلانی احترام می‌گذاشت و با ایشان موافق بود. پس از رحلت آیت‌الله میلانی، آشتیانی جز دانشگاه مشهد (فردوسی)، درس‌های عرفانی و فلسفی خود را تنها در مدرسه مبارکه امام صادق (علیه السلام) - که بانی آن آیت‌الله‌العظمی میلانی بود - تدریس می‌کرد.

مرحوم محمدرضا حکیمی نیز به‌نوبه خود تبحر استاد خود آیت‌الله میلانی را در فلسفه چنین توصیف می‌کند:

ولی به نقل از شاگرد نامی او شیخ محمدرضا مظفر، اجل به علامه غروی فرصت نداد تا کار خود را به پایان برساند.^۵

بهره‌گیری از ظرفیت تمدن‌ساز عرفان

آیت‌الله میلانی در عرفان عملی وام‌دار سید علی آقا قاضی بود. آیت‌الله دکتر سید فاضل حسینی میلانی با اشاره به دوره حضور جدّ خود در نجف اشرف، در این باره می‌گوید: «مرحوم شیخ محمد فرزند شیخ محمدحسین غروی اصفهانی برای من نقل می‌فرمود کسی در نجف نزد پدرم مرحوم کمپانی آمد و از عرفان در نجف و به مناسبت، نحوه تلمذ مرحوم میلانی در خدمت آیت‌الله سید علی قاضی صحبت به میان آمد. مرحوم کمپانی فرمودند: روش مرحوم قاضی این‌گونه بود

که اگر سالک درست حرکت می‌کرد و با مانعی روبه‌رو نمی‌شد و راه را آن‌گونه که باید، می‌رفت، قاضی او را به اعلی‌علیین می‌رساند. ولی اگر با مانع برخورد می‌کرد، سقوط تا سرحد اسفل‌السافلین نیز برایش متصور بود. اما سید عبدالغفار مازندرانی، شاگردان را اگر به عرش نمی‌رساند، به زمین هم نمی‌زد و آقای میلانی هر دو استاد و هر دو مکتب عرفانی را درک کرده بود و با هر دو راه را طی کرده

بود.»^۶

از آیت‌الله میلانی یک رساله عرفانی برجای مانده است که با تصحیح حجت‌الاسلام محمدرضا نوراللهیان به مناسبت بزرگداشت چهلمین سال رحلت ایشان منتشر شده است. این رساله، افاضات عرفانی آیت‌الله میلانی است، به‌گونه‌ای باید آن را در زمره کتاب‌های تألیف‌شده برای خواص، اعلام و محققان و فقهای اساتید عرفان باید به‌شمار آورد. مطالب این رساله از بیوت عصمت و طهارت و منابع وحی و الهام گرفته شده است؛ آن هم به‌وسیله شخصیتی که در عمل به وظایف عبادی و عرفان عملی و تهذیب نفس و آراستگی به مکارم اخلاق، سرآمد روزگار و استاد رجال الهی معاصر بوده است.^۷

رساله «کلمات» با توجه به شرایط زمانه و جو حاکم بر آن، نشانه‌های یک تحفظ مستمر است، به همین دلیل به نام هیچ یک از عرفا در آن اشاره نشده است که از شدت نهان بودن آیت‌الله میلانی و عدم اقبال محیط حکایت دارد.

در هر صورت آیت‌الله میلانی در شمار معدود فقهای است که قرآن و عرفان و برهان را در بالاترین سطح جمع کرده است. ایشان میان قرآن و حکمت و عرفان، تضادی نمی‌بینند و به همین دلیل

آیت‌الله میلانی در شمار معدود فقهای است که قرآن و عرفان و برهان را در بالاترین سطح جمع کرده است. ایشان میان قرآن و حکمت و عرفان، تضادی نمی‌بینند و به همین دلیل بخشی قابل توجه از عناصر مولد فرهنگ و عوامل و ظرفیت‌های انسان‌ساز و جامعه‌ساز را در اختیار داشت و در وقت نیاز از این سرمایه عظیم و پنهان خود به درستی بهره می‌برد؛ زیرا هر سه مؤلفه موردنظر در هندسه معرفتی ایشان به‌کار رفته است.

در عرفان آیت‌الله میلانی، فطرت به انسان اختصاص ندارد، بلکه همه موجودات، حتی جمادات که منشأ همه آنها خدا و علم مطلق است و او تعالی نمی‌تواند خالق جهل مطلق باشد، عقل فطری دارند. مثلاً دیده می‌شود ریشه درخت به جایی که آب هست، میل دارد، یا شاخه چنان رشد می‌کند که با مانع روبه‌رو نشود. تفاوت انسان با نباتات و جمادات در این است که آنها به عقل خود، آگاهی ندارند و تنها انسان است که به عقل خود علم دارد.^۹

بر اساس قاعده بالا در عرفان آیت‌الله میلانی همه موجودات از راه فطرت با هم مرتبط می‌شوند؛ چنان که همه موجودات خضوع ذاتی نسبت به خدا دارند، چون نسبت به معلولیت و مخلوقیت خود آگاهی ذاتی دارند، ولی آگاهی انسان، امری ارادی است.^{۱۰} به همین دلیل ذات همه موجودات ذکر خدا و نفی غیر اوست.^{۱۱}

گفتمان‌سازی در مکتب سیاسی

یکی از ابعاد تمدن‌ساز وجود آیت‌الله‌العظمی میلانی این بود که ایشان هم اهل سیاست و هم اهل گفتگو بودند و به این منظور با بیشتر گروه‌های اجتماعی ارتباط داشتند.

۱. بخشی از این گروه‌ها، طبقات تحصیل‌کرده و روشنفکر و اعضای انجمن‌های مذهبی از جمله انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی، کانون نشر حقایق اسلامی، جامعه تعلیمات

بخشی قابل‌توجه از عناصر مؤلف فرهنگ و عوامل و ظرفیت‌های انسان‌ساز و جامعه‌ساز را در اختیار داشت و در وقت نیاز از این سرمایه عظیم و پنهان خود به درستی بهره می‌برد؛ زیرا هر سه مؤلفه موردنظر در هندسه معرفتی ایشان به‌کار رفته است.

امروزه وقتی در مقطع حضور ایشان در مشهد و سال‌هایی که در مقام مبارزه با طاغوت بودند، دقت می‌کنیم، درمی‌یابیم تمام دقایق رفتار ایشان تحت‌تأثیر عرفان اجتماعی قرار داشته است.

ایشان ضمن بهره‌گیری از روش سلوک اجتماعی در فعالیت‌های اجتماعی، از تجربه خود در این عرصه برای حل مشکلات کنش اجتماعی دیگر شخصیت‌ها نیز بهره می‌بردند. آیت‌الله میلانی در یکی از نامه‌هایش به مخاطبی که هویت او در نامه مشخص نشده است، یادآور می‌شود: «مبادا به خودتان ناامیدی و بیم و هراس روا دارید، افزون بر آنکه مبارزه را به حدی رسانده‌اید که نمی‌توانید بازگردید... مبارزه موجود، در حدی قرار ندارد که بتوان آن را عقیم نمود و یا فتوری در آن ایجاد کرد. تحقیقاً سر مویی چنانچه مدارا منظور شود و عملی گردد، سبب می‌شود حالت یأس و ترس در ملت اسلامی پیدا شود و این نیرو از دست برود.» این نامه در شرایطی نوشته شده است که ایشان مشغله‌های دنیوی را سبب سنگینی دل و بازداشت از تجرد و عامل به‌هم‌دوخته‌شدن پیر و بال دل می‌دانست.^{۱۲}

اسلامی، انجمن اسلامی دانشجویان و انجمن اسلامی دانش‌آموزان بودند.

۲. بخش دیگر، استانداران، دولت‌مردان و رجال سیاسی بودند. آیت‌الله میلانی با رجال سیاسی وابسته به رژیم پهلوی، درباره‌ی نوع عمل آنها و نوع قانون‌گذاری‌شان و یا نوع رفتار با مردم سخن می‌گفت و دیدگاه‌های خود را تبیین می‌کرد. پیرنیا استاندار وقت خراسان، یکی از این چهره‌های سیاسی بود که آیت‌الله میلانی با ایشان جلساتی داشت. او در خاطرات خود می‌نویسد: «من برای آیت‌الله میلانی وضع اقتصادی و جغرافیایی و سیاسی پس از جنگ جهانی دوم را برشمردم، ولی به این نتیجه رسیدم که آگاهی ایشان به‌ویژه درباره‌ی کشورهای تازه استقلال‌یافته‌ی آفریقا و آسیای خاوری به مراتب بیش از من است. پس از این گفتگو درخواست کردم ایشان موافقت کند شماری از استادان زبان دانشگاه مشهد (دانشگاه فردوسی) به آموزش زبان‌های بیگانه در مدرسه‌ی ایشان بپردازند تا پس از اینکه به آن زبان‌ها آشنا شدند، به کشورهای نامبرده که به آن سخن می‌گویند، فرستاده شوند. این پیشنهاد موردتوجه آیت‌الله میلانی قرار گرفت؛ به‌ویژه اینکه مسیحیت چون همراه با استعمار به این کشورها رفته بود، نظمی نگرفته و با اعزام طلبه‌ها که بر اساس آموزه‌های اسلام، فلسفه‌شان برابری سید قرشی و غلام حبشی بود، اسلام به سهولت ترویج می‌یافت».^{۱۲}

پیرنیا در برخی از گفتگوهای خود با

شخصیت‌های خراسانی گفته بود تأسف می‌خورم که با درگذشت آیت‌الله میلانی، من نفهمیدم سرنوشت این برنامه چه شد. آیت‌الله‌العظمی میلانی، حتی از طریق پسر خود آیت‌الله سید محمدعلی میلانی، سه بار با سرتیپ بهرامی، ریاست ساواک خراسان، درخواست ملاقات کرد. این ملاقات که بالأخره در ساعت ۸ صبح ۱ فروردین سال ۱۳۴۶ اتفاق افتاد، به‌منظوراعلان موضع آشکار آیت‌الله میلانی نسبت به چند نکته موردنظر ایشان بود. آیت‌الله میلانی در این دیدار گفت من از شما خواستم تا اینجا بیایید تا درباره‌ی چند مسئله مذاکره کنم.^{۱۳}

۳. بخشی دیگر از گروه‌های اجتماعی، عامه‌ی مردم بودند که آیت‌الله میلانی آنها را مخاطب خود و خود را در برابر آنها مسئول می‌دانست. ایشان در ارتباط با مسایل صهیونیسم و تقابل با جنایات رژیم بعثی عراق و به‌منظور اطلاع‌رسانی به مردم، از رسانه‌های گوناگون بهره می‌گرفتند. آیت‌الله میلانی در ۱۶ شهریور ۱۳۴۳ اعلامیه‌ی مشروحی را به جانب‌داری از آیت‌الله حکیم و مخالفت شدید با سیاست آمریکا و انگلیس منتشر کرد و خطاب به مردم، اقدامات دولت عراق را سبب تضعیف روحانیت در عراق و ایجاد محدودیت برای آنها دانست.^{۱۴}

آزاداندیشی

آزاداندیشی در غرب، برابر است با تهی‌شدن اندیشه از سنت و سرشت قدسی؛

و میرزای نایینی و آیت‌الله میلانی و امام خمینی ادامه دادند.

کاشف‌الغطا می‌گوید: «من تا فرق سرم غرق در سیاست هستم و دخالت در سیاست از وظایف حتمی من است و اگر دخالت نکنم، خود را در پیشگاه خدا و وجدان مسئول می‌بینم».^{۱۵}

اما آزاداندیشی مبتنی بر فهم حجاب حاصل از علم و دوری‌جستن از آثار تباه‌کننده آن، مورد توجه دقیق آیت‌الله میلانی بود، چون ایشان به این دیدگاه حکیم ملاصدرا آگاهی داشت که: «علم، حجابی عظیم است. حجابی که دل را تحت‌تأثیر غفلت و جهالت و خودپرستی و ساده‌لوحی و حب جاه و ریاست و بیهوده به‌هرسوگشتن، بی‌دینی و حرام‌کاری، قبول مناصب و تقرب به فرمانروایان، دوری‌جستن از نیازمندان و گوشه‌گیران و گمنامان، مشتاق می‌کند. همگی این کارها نتیجه نادانی و معارضه با دانایی است».^{۱۶}

آزاداندیشی دینی، سیاسی و علمی آیت‌الله میلانی، او را با جهانی متفاوت آشنا کرده بود. انس با این جهان سبب می‌شد او هرگز به جماعت، درس و بحث و مرجعیت به‌عنوان یک دکان نگاه نکنند! به همین دلیل از عالم‌نمایان جاهل دوری می‌جست، اصلاح روش علمی و پرهیز از غرور علمی را در باور

اما در حوزه‌های علمی شیعه، آزاداندیشی، نردبانی است که به منظور دستیابی به حق نصب می‌شود. حق اساساً امری قدسی و ناسوتی است؛ یعنی رهایی از همه عوامل بازدارنده که انسان را از درک و کشف حق و حقیقت دور می‌کند.

آزاداندیشی سه رویکرد دینی و سیاسی و علمی دارد. پی‌آمد آزاداندیشی با رویکرد دینی توسعه علمی و سیاسی کشور و اهتمام به اتحاد ملل اسلامی و ائتلاف و آشتی و ایجاد حس رابطه میان پیروان مذاهب اسلامی است. در تاریخ معاصر حوزه، تأسیس دارالتقریب بین‌المذاهب الاسلامیه در قاهره به اهتمام شیخ محمدتقی قمی، در آزاداندیشی دینی چهره‌هایی چون آیت‌الله‌العظمی بروجردی، شیخ محمود شلتوت، سید جمال‌الدین اسدآبادی، میرزای شیرازی، آیت‌الله حائری، شهید مدرس، امام خمینی، آیت‌الله میلانی و علامه طباطبایی ریشه داشت.

آزاداندیشی با رویکرد سیاسی در حوزه نجف از زمان میرزای شیرازی و در جریان نهضت تنباکو شکل گرفت. راه کاشف‌الغطا و مجدد شیرازی را در این زمینه، مرحوم میرزا محمدتقی قمی، شیخ‌الشریعه اصفهانی، سید محمدکاظم طباطبایی، آخوند خراسانی، آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین کمپانی

آزاداندیشی با رویکرد سیاسی در حوزه نجف از زمان میرزای شیرازی و در جریان نهضت تنباکو شکل گرفت. راه کاشف‌الغطا و مجدد شیرازی را در این زمینه، مرحوم میرزا محمدتقی قمی، شیخ‌الشریعه اصفهانی، سید محمدکاظم طباطبایی، آخوند خراسانی، آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین کمپانی و میرزای نایینی و آیت‌الله میلانی و امام خمینی ادامه دادند.

و رفتار خود دنبال می‌کرد، از اوهام بشری تبعیت نمی‌کرد و تحت تأثیر شرایط قرار نمی‌گرفت.

آیت‌الله میلانی به اذعان ممتازترین شاگردانش، از سعه صدر و وسعت نظر اعجاب‌آوری برخوردار بود. ایشان با دیدگاه‌های علمی دیگران رابطه‌ای منطقی و منصفانه داشت و معتقد بود بدون برخورداری از سعه صدر نمی‌توان با دیدگاه‌های علمی دیگران رابطه‌ای منطقی برقرار کرد.

یکی از وجوه آزاداندیشی آیت‌الله میلانی، توجه به ارتباط دین و ملیت بود. ایشان به این نکته اذعان داشت که این دو همیشه کنار هم، همزیستی داشته‌اند؛ یعنی سنت‌ها و آیین‌های ملی در خدمت مذهب بوده‌اند نه علیه آن. تجربه تاریخی ایران نشان داده است که پرهیز از افراط و تفریط

و حفظ اعتدال در رابطه میان آن دو، سبب تقویت همزمان هویت دینی و هویت ملی در این سرزمین شده است.

اما یکی از مهم‌ترین چالش‌های ایران در حفظ هویتی خود، دگرگونی‌های سیاسی بود که پس از انقلاب مشروطه در ایران به وجود آمد. مسئله اصلی این دگرگونی‌ها، نه حفظ هویت، بلکه تغییر هویت و بحران خودساخته هویت بود. چالش‌های زمان

حکمرانی پهلوی‌ها، به دلیل وابسته‌بودن آنها به نظام‌های بیگانه شکل گرفت. این امر موجب تضعیف ارتباط میان دین و ملیت در ایران شد و در نتیجه گروه‌هایی از مردم از دین و دولت فاصله گرفتند و بحران هویت از این ضعف پدید آمد.

تجربه انقلاب اسلامی در زمینه نحوه هماهنگی میان دین و ملیت، وام‌دار تجربه تاریخی ما در عصر باستان و در عصر آل‌بویه، علویان، سرداران، تیموریان، صفویان، افشار و قاجار است. آیت‌الله میلانی را هم می‌توان از کسانی شمرد که میان وجه ایرانیّت ایران و اسلامیت فرهنگ آن، فاصله نیانداخت و فعالیت سیاسی خود را بر همین مبنا دنبال کرد. نهضت خرداد هم که به ظاهر در تقابل با مدنیت نوین سر برآورد، در باطن به منظور کشف هویت تمدنی مرکب از هویت دینی، ملی و تاریخی و اجتماعی و سیاسی ایران و ساکنان آن بود.

در نهضت خرداد، تلفیق میان هویت دینی و ملی اتفاق افتاد. این مسئله را می‌توانیم ازجمله در عملکرد آیت‌الله‌العظمی میلانی آشکارا مشاهده کنیم. تلاش‌های مرتبطین با ایشان مانند حاج آقا رضا زنجانی، مهندس بازرگان، استاد محمدتقی شریعتی و استاد مرتضی مطهری نیز بر این مسئله

یکی از وجوه آزاداندیشی آیت‌الله میلانی، توجه به ارتباط دین و ملیت بود. ایشان به این نکته اذعان داشت که این دو همیشه کنار هم، همزیستی داشته‌اند؛ یعنی سنت‌ها و آیین‌های ملی در خدمت مذهب بوده‌اند نه علیه آن. تجربه تاریخی ایران نشان داده است که پرهیز از افراط و تفریط و حفظ اعتدال در رابطه میان آن دو، سبب تقویت همزمان هویت دینی و هویت ملی در این سرزمین شده است.

بهره برده‌اند. همچنین ایشان از همه خواست تا از غیبت و تهمت و افترا بپرهیزند.^{۱۷} آیات عظام شیخ محمدکاظم دامغانی، شیخ حسنعلی مروارید، میرزا جواد آقا تهرانی، سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد و برخی دیگر از صاحب‌نظران، از حاضرین در این مجلس تاریخی بودند.

آیت‌الله میلانی دربارهٔ مسایل حاد و مبهم اجتماعی و سیاسی، که تکلیف خود را نمی‌توانست روشن کند، با شخصیت‌های برجسته در آن زمینه‌ها، گفتگوی حضوری یا مکاتبه می‌کرد. یکی از این شخصیت‌ها، آیت‌الله حاج شیخ حسین لنگرانی است. آیت‌الله میلانی با ایشان ارتباط داشت و از ایشان نسبت به مسایل مختلف سیاسی نظر می‌خواست. آیت‌الله حاج آقا رضا زنجانی نیز که یک شخصیت ملی و مذهبی بود و در امور سیاسی و اجتماعی و شرعی مورد وثوق دکتر مصدق شمرده می‌شد، از شخصیت‌های مورداعتماد آیت‌الله میلانی بود و در امور مختلف با ایشان گفتگو و مشورت می‌کردند. این مشورت‌ها از راه تلفن، تلگراف و مکاتبه یا با بهره‌گیری از فرصت رفت و آمد حضوری یا استفاده از دوستان مورداعتماد به‌مثابهٔ یک پیک انجام می‌شد.

آینده‌نگری

ارتباط آیت‌الله میلانی با میراث فرهنگی، برخورداری از جامعیت و رابطهٔ نزدیک با اندیشمندان جهان اسلام، فرصت خوبی را

تأکید دارد. شهید مطهری کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران را در سال ۱۳۵۴ نوشت یعنی سالی که اوج تعارض‌های عقیدتی در فضای سیاسی و روشنفکری رخ می‌دهد.

پاسخ‌گویی و مشورت

یکی دیگر از رویکردهای تمدنی آیت‌الله‌العظمی میلانی پاسخ‌گویی به مردم و مشورت با نخبگان جامعه است. ایشان پس از نهضت خرداد ۱۳۴۲ش، در مناسبت‌های مختلف علما و مردم را به وحدت و همفکری و میانه‌روی و پرهیز از تخریب شخصیت یکدیگر فرا می‌خواند. همیشه خود را در موضع پاسخ‌گویی نسبت به حوزهٔ مسئولیت‌هایی که به‌عنوان یک مرجع برعهده داشت، قرار می‌داد تا دیگران به سهل‌ترین روش بتوانند دیدگاه‌های خود در برابر کنش‌گری ایشان در مسایل عمومی بیان کنند. به‌عنوان نمونه ایشان در روز ۳۲ تیر ۱۳۴۴ در حضور تعدادی از علمایی که میهمانش بودند، اظهار داشت: «اگر من اعلامیه ن داده‌ام یا حرفی نزده‌ام و یا در پاره‌ای از مواقع سکوت اختیار کرده‌ام، وظیفهٔ خود را تشخیص ن داده‌ام».

ایشان از افراد حاضر در جلسه خواست تا انتقادات خود را در حضور ایشان مطرح کنند و اتفاق خود را حفظ کنند و در هر اقدامی که می‌خواهند انجام دهند، با هم باشند. ایشان یادآور شد مخالف آشوب و بلوا است و هرچه در کشورهای اسلامی خون‌ریزی شده است، مسلمان‌ها ضرر کرده‌اند و بیگانگان

برای فرهنگ‌سازی در اختیار ایشان قرار می‌داد. مهم‌ترین رویکردهای ایشان در این حوزه عبارت بود از: احیای حکمت و عقلانیت شیعه در دو حوزه نظری و عملی؛ پرهیز از رویکرد یک‌سویه به مسایل؛ اهتمام به تعدیل افراط‌ها و تفریط‌ها و قانون‌گرایی؛ الگوسازی و فهم و ارائه جامعیت نظام دینی و برخورد عمیق با میراث دینی و فرهنگی

جامعه؛ ژرف‌بینی و همچنین جلوگیری از احتکار فرهنگی؛

همگامی با زمان و خردورزی.

او پی برده بود که شناخت

عرصه‌ها به‌ویژه با توجه

به سرعت تحولات بومی

و جهانی، به آینده‌نگری در

قلمرو علوم دینی نیاز دارد. او

می‌دانست که راه ما به سوی

آینده از گذرگاه باریک‌بینی و

باریک‌اندیشی علوم دینی تحقق

می‌یابد. به تعبیر آیت‌الله جعفر

سبحانی: «تأسیس مدرسه‌ها

و مراکز علمی جدید از سوی

آیت‌الله میلانی در مشهد و قم، ثابت کرد که

ایشان مرجع آینده‌نگری هستند».^{۱۸}

ارتباطات علمی

آیت‌الله‌العظمی میلانی در طول حیات

خود در مشهد، با اساتید برجسته دانشگاه،

به‌ویژه اساتیدی که پیشینه حوزوی داشتند،

مانند استاد فقید سید جلال‌الدین آشتیانی

(۱۳۰۴-۱۳۸۴ش)، آیت‌الله محمد واعظزاده

خراسانی (متوفی ۲۸ آذر ۱۳۹۵) و استاد

کاظم مدیر شانه‌چی (۱۳۰۶-۱۳۸۱ش) از

نزدیک ارتباط داشتند. آقای واعظزاده در درس

آیت‌الله میلانی شرکت می‌کرد و آیت‌الله

میلانی هم به ایشان توجه ویژه داشتند.^{۱۹}

چون دیدگاه ایشان که تحت‌تأثیر استاد

خود آیت‌الله‌العظمی سید محمدحسین

بروجردی قرار داشت و دیدگاه

آیت‌الله میلانی در ارتباط با

وحدت اسلامی، یکی بود.

این امر سبب شده است

تا استاد فقید دکتر احمد

مهدوی دامغانی (فرزند مرحوم

آیت‌الله محمدکاظم مهدوی

دامغانی) آیت‌الله واعظزاده را

از اصلی‌ترین اصحاب حضرت

آیت‌الله میلانی معرفی کنند.^{۲۰}

حضور به‌موقع این اساتید

در دانشگاه مشهد، سبب

رشد آنها در عرصه‌های علمی

در حوزه‌های تخصصی خودشان

شد و از طریق آشنایی با شخصیت‌های

متخصص در رشته‌های خود و برقراری ارتباط

با محافل علمی در سطح جهانی، اخبار

تحولات علمی و فرهنگی را به آیت‌الله‌العظمی

میلانی، به‌عنوان یکی از مراجع برجسته

علمی و دینی شیعه رساندند. این ارتباط

با برگزاری کنگره جهانی شیخ طوسی،

نمود بیشتری یافت. آنها توانستند یکی از

او پی برده بود که شناخت عرصه‌ها به‌ویژه با توجه به سرعت تحولات بومی و جهانی، به آینده‌نگری در قلمرو علوم دینی نیاز دارد. او می‌دانست که راه ما به سوی آینده از گذرگاه باریک‌بینی و باریک‌اندیشی علوم دینی تحقق می‌یابد. به تعبیر آیت‌الله جعفر سبحانی: «تأسیس مدرسه‌ها و مراکز علمی جدید از سوی آیت‌الله میلانی در مشهد و قم، ثابت کرد که ایشان مرجع آینده‌نگری هستند

ارتباطات علمی

ارتباطات علمی

ارتباطات علمی

ارتباطات علمی

ارتباطات علمی

ارتباطات علمی

ارتباطات علمی

ارتباطات علمی

ارتباطات علمی

ارتباطات علمی

ارتباطات علمی

گفته بود عده‌ای سخنان او را تحریف کرده و به عرض آیت‌الله میلانی می‌رساندند و اختلافات از اینجا پدید آمد. به تدریج این چالش، بازتاب بیرونی یافت و آیت‌الله میلانی آشکارا با دکتر شریعتی مخالفت کرد و آقا سید فاضل حسینی میلانی، به نقد نوشته‌های ایشان پرداخت.^{۳۲}

البته ارتباطات آیت‌الله میلانی با دانشگاهیان و محافل علمی به داخل کشور محدود نمی‌شد. ایشان به‌ویژه در سال‌های اقامت خود در مشهد با شخصیت‌های مختلفی از جهان اسلام در مشهد دیدار کردند و با آنها به گفتگو پرداختند. از جمله در سال ۱۳۳۷ش، وقتی با اقدامات و حمایت آیت‌الله بروجردی، شیخ محمد شلتوت، رئیس دانشگاه الزهر مصر جواز عمل مطابق با فقه شیعه امامیه را صادر کرد، با حمایت آیت‌الله میلانی، در سوم مرداد ۱۳۳۹ شیخ محمدتقی قمی (۱۲۸۹-۱۳۶۹ش)، که مؤسس دارالتقرب بین المذاهب الاسلامیه شمرده می‌شد و تنها راه وحدت امت اسلامی را اتحاد فرهنگی مسلمانان می‌دانست، در حرم مطهر رضوی در زمینه این وفاق بین شیعه و رئیس دانشگاه الزهر سخنرانی کرد و با استقبال همهٔ علما و رجال حاضر در نشست، روبه‌رو شد.^{۳۳}

جز رویداد مهم فوق، در زمان مرجعیت آیت‌الله میلانی شخصیت‌های بین‌المللی زیادی به‌منظور دیدار ایشان به مشهد آمدوشد داشتند. از جمله دیدارکنندگان با ایشان دکتر شیخ محمد فحام، رئیس

نحوه‌های پیوند حال با گذشتهٔ شیعه را در سرزمین طوس بیابند و نحوهٔ استمرار تمدنی آن را تجربه کنند. کنگره‌ای که در آن چهره‌های زیادی از اندیشمندان ایران و جهان اسلام حضور داشتند و پس از اتمام این کنگره، توانستند با آیت‌الله میلانی که جامع دستاوردهای شیخ طوسی و شخصیت‌هایی چون آخوند خراسانی، نایینی، کمپانی و شریعت اصفهانی را در اختیار داشت، به گفتگو بنشینند.

اواخر زندگی آیت‌الله میلانی با فعالیت‌های دکتر شریعتی در دانشگاه مشهد و پس از آن حسینیهٔ ارشاد همزمان شد. دکتر شریعتی در آغاز با توجه به مهاجرت آیت‌الله میلانی به مشهد، به آیندهٔ علمی و فرهنگی مشهد امیدوار شد. بر اساس نوشتهٔ ایشان در بازجویی ۷ مهر ۱۳۵۲، با ورود آیت‌الله میلانی به مشهد، هم حوزهٔ علمیه و هم عناصر روشن مذهبی جان تازه‌ای گرفت و از جمله من که هم وابسته به فرهنگ جدید بودم و هم در حوزهٔ مدارس قدیم در محضر استاد قزوینی و دیگران درس اسلامی می‌خواندم، امید بسیار یافتم که حضور آیت‌الله میلانی بتواند منشأ تحولی عمیق در حوزهٔ علمیهٔ قدیم و همچنین روشنی روحی و بینش مذهبی در میان تودهٔ عوام مذهبی باشد.^{۳۴}

ولی پس از چند سال ارتباط، مواضع دکتر شریعتی نسبت به مرجعیت دگرگون شد و ما می‌توانیم برخی از این دیدگاه‌ها را در لابه‌لای آثار ایشان بیابیم. ولی خود دکتر شریعتی به حاج محمد مهدی عبدخدایی

دانشگاه الازهر و همراهانش بود. ایشان به اتفاق سفیر کبیر مصر در ایران، بعد از ظهر روز ۴ مرداد ۱۳۵۰ به دیدن آیت‌الله میلانی آمدند.^{۲۴}

یکی دیگر از این چهره‌های بین‌المللی دکتر عبداللطیف بدوی، رئیس دانشگاه الازهر بود که در ۱۵ آذر ۱۳۵۱ به مشهد آمد^{۲۵} و در منزل آیت‌الله میلانی با ایشان ملاقات کرد. آقای بدوی در آغاز سخن خود سلام شیخ محمد فهام، شیخ الازهر و اساتید آن را به آیت‌الله میلانی رساند و به این نکته اشاره کرد که لازم است همه ما در اعتلای کلمه حق همکاری داشته باشیم. آیت‌الله میلانی در پایان مراسم این دیدار، چند جلد کتاب به ایشان اهدا کردند و یاد آور شدند: «الازهر باید در برنامه‌های آموزشی تحصیل‌کردگان خود، مبانی اخلاق اسلامی را آموزش دهد و علما نیز باید همکاری داشته باشند و اساتید دانشگاه الازهر لازم است مسئولیت دفاع از دین را به‌عهده داشته باشند. همچنین از ایشان خواست تا سلامش را به شیخ الازهر و اساتید و دانشجویان این دانشگاه و مردم مصر برساند.»^{۲۶}

در ۲۴ تیر ماه همان سال خود شیخ محمد الفهام رئیس دانشگاه الازهر که از سوی دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه، از قاهره به ایران آمده بود، در شهر مشهد و در خانه آیت‌الله میلانی رحمته، با ایشان دیدار کرد. در ۲۲ خرداد سال ۱۳۵۲، علمای شیعی‌مذهب لبنان که به دعوت سازمان

اوقاف ایران، وارد ایران شده بودند، به مشهد آمدند و در منزل آیت‌الله میلانی حضور یافتند و از سوی ایشان مورد استقبال قرار گرفتند.^{۲۷} در میان کشورهای عربی از سوریه نیز شخصیت‌های علمی و سیاسی با آیت‌الله میلانی دیدار داشتند. شیخ محمدتقی قمی (۱۲۸۹-۱۳۶۹ش)، شیخ محمدجواد مغنیه، علامه شیخ محمدجواد الشری و شیخ محمدبن علی اکواع، امام زبیده نیز با ایشان در مشهد دیدار کردند.

تولید دانش

در تمدن‌سازی، تولید دانش، نقشی بسیار مهم برعهده دارد. به تعبیر مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، آیت‌الله میلانی در مشهد همانند آیت‌الله بروجردی به ویژگی‌هایی چون نوآوری‌های علمی، خدمات اجتماعی گسترده و نگاه تقریبی در مورد مذاهب اسلامی آراسته بود. افزون بر اینکه طرح‌هایی نو در زمینه تحول شیوه تحصیل و تدریس علوم دینی داشت.^{۲۸} آیت‌الله میلانی معتقد بودند که اگر روحانی بخواهد به وظایف خود عمل کند و وارد مبارزه شود، باید منظم و قوی باشد تا مردم به او اعتقاد پیدا کنند و بدانند می‌تواند احکام اسلام را به‌درستی اجرا کند. به همین دلیل معتقد بودند حوزه‌ها باید نظم داشته باشند و طلاب بر اساس یک برنامه دقیق و کارآمد تربیت شوند. ایشان بر این باور بود که یک روحانی نه‌تنها زبان عربی که دیگر

استاد محمدرضا حکیمی از شاگردان به نام آیت‌الله میلانی در تبیین جایگاه علمی استاد می‌نویسد:

«این عالم بزرگ در علم اصول و تسلط بر مبانی دقیق آن، مرتبه‌ای والا داشت و درس‌های بس عمیق و نظرهای بس دقیق عرضه می‌کرد. از آرای قدمای اصولیانی مانند شیخ طوسی و سید مرتضی، از آرای متأخران مانند شیخ بهایی،

از مبانی شیخ انصاری و آخوند

خراسانی به خوبی آگاه بود و از مرحوم آخوند تجلیل به‌سزایی می‌کرد و چون خود شاگرد میرزای نایینی و شیخ محمدحسین کمپانی و آقاضیاءالدین عراقی بود، بر نظریات این استادان یعنی سه جریان اصولی پس از کفایه تسلط کامل داشت، بلکه از این جهت منحصر به‌فرد بود و از همین جهت اصولیان پس از آنها را به‌لحاظ علمی قبول نداشت!^{۲۹} نوآوری‌های فقهی ایشان رهگشای جامعه بود. به تعبیر آیت‌الله فقیه دکتر سید فاضل حسینی میلانی، نخستین مسئله در فقه، تخصص در افتا است و فقاها در یک معنا به افتا بازمی‌گردند. صدها مسئله نوین در دنیا به وجود آمده است و شیعیان می‌خواهند نظر اسلام را درباره آنها بدانند. آنها به مجتهدانی مراجعه می‌کنند که صاحب فتوی باشند.

در تمدن‌سازی، تولید دانش، نقشی بسیار مهم برعهده دارد. به تعبیر مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، آیت‌الله میلانی در مشهد همانند آیت‌الله بروجردی به ویژگی‌هایی چون نوآوری‌های علمی، خدمات اجتماعی گسترده و نگاه تقریبی در مورد مذاهب اسلامی آراسته بود. افزون بر اینکه طرح‌هایی نو در زمینه تحول شیوه تحصیل و تدریس علوم دینی داشت.

زبان‌ها را هم باید بداند تا بتواند با ملت‌های دیگر ارتباط برقرار کند.

هنگامی که زمینه‌های قیام ۱۵ خرداد ۴۲ پیش آمد، ایشان با نیروهایی که از قبل ساخته شده بودند، با قدرت تمام به میدان آمدند. ایشان همیشه با شاگردان خود رفتاری پدرانه داشت. با آنها صحبت می‌کرد، اشکالات آنها را می‌شنید و در صورت نیاز پاسخ می‌داد. ایشان هرگز از

حد اعتدال خارج نمی‌شد و پرخاشگرانه رفتار نمی‌کرد. آیت‌الله میلانی به شاگردانش آزادی می‌داد، هر کس پای درس اشکال و اعتراض می‌کرد، به او پاسخی کاملاً قانع‌کننده می‌داد.

ایشان نگاه منتقدانه به علوم داشت، ولی در نقد اندیشه اساتید خود هرگز به خود و به دیگران اجازه حرمت‌شکنی نمی‌داد و در دفاع از نظریه‌های پیشینیان می‌فرمود: «باید دید ایشان چه می‌خواسته‌اند بگویند؟»

خود ایشان همیشه نظریاتی داشتند که غیر از نظریه آخوند، نایینی و کمپانی بود. این روش تدریس آقای میلانی در اصول بود. ایشان در فقه نیز نظریات بسیار دقیقی داشتند که خودشان می‌گفتند جنبه علمی دارد، ولی در جنبه عملی با دیگران موافق هستم.

مسئله دوم این است که فقیه، حاکم شرع است و از نظر روایات و احادیث باید به آنان مراجعه کرد و نمی‌توان به غیر آنها رجوع نمود.

مسئله سوم، این است که امروزه به فقهی که نظرش را در مسایل مهم عنوان کند، نیاز بسیاری وجود دارد و این رجوع، مانند رجوع به هر متخصصی در هر کار دیگری، ضرورت دارد.

در این سه میدان عمل و کاربرد فقه، توجه به این نکته اهمیت دارد که در فقیه، دو عنصر اساسی لازم است: یکی فقهت به معنای تسلط بر استنباط و اینکه بتواند حکم‌الله را تا آنجاکه می‌تواند از ادله به دست آورد. دیگری تقوای فقیه است؛ همان ملاکی که اگر در انبیا و اوصیا نباشد، سخن‌شان نافذ نخواهد بود و مردم به آنها اطمینان نمی‌یابند. پس ما اجتهاد را بدون جنبه تزکیه و تقوا و فضیلت، به هیچ‌وجه ملاک قرار نمی‌دهیم و اثر هم ندارد. حال اگر بخواهیم خارج از ممالک اسلامی این معنا را منعکس کنیم، حقیقتاً باید آن جنبه ثبوتی به جنبه اثباتی برسد و نمونه‌هایش را نیز در استنباط نشان دهیم.

کارهایی در زمینه قواعد فقهی شده است که هر یک از آنان ممکن است ابزاری برای فقیه باشد. از باب مثال به قاعده نفی عُسر و حرج اشاره می‌کنیم.

ادله نفی عُسر و حرج از نظر شیخ انصاری حاکم بر عناوین ادله اولیه است. اما متأخرین

نیازی به حکومت ندارند و خود عناوین ثانویه به قدری مهم هستند که می‌توانند حکم حرام را حلال و مباح را حرام یا مستحب کنند. به بیان دیگر دامنه قاعده عُسر و حرج به قدری وسیع و مهم است که امروزه می‌توانیم ثابت کنیم بسیاری از مشکلاتی که در زمان قدیم از لحاظ فقهی و فتوایی به آن مبتلا بودیم و احتیاط می‌کردیم، امروز وجود ندارد.

ما اگر می‌خواهیم چیزی در عالم اثبات در نقش فقهت ارائه کنیم و نشان دهیم که این تحول پس از شیخ انصاری و صاحب جواهر تا زمان ما رسیده است، بهتر است سراغ «قواعد فقهی کاربردی» برویم. حوزه‌ها امروز در کنار استفاده از فقه و اصول، از قواعد فقهی و عناوین ثانویه بهره می‌برند.

میراث فقهی آیت‌الله میلانی از همه ابعاد فوق برخوردار است از نظر ایشان:

۱. فقهت، تلفیقی است که ایشان میان مبانی حدیثی و مباحث عقلی و عقلانی ایجاد کرده‌اند.

۲. ایشان با روایات به نحوی برخورد می‌کردند که تمام جهات روایت را اعم از ادبی، نحوی، صرفی، بلاغی و غیره را مدنظر داشته باشند. وقتی هم که مطالب تحقیقی و بررسی‌های عقلی را به کار می‌گرفتند، عقل را هرگز در موازات شرع قرار نمی‌دادند. ایشان به فلسفه کاملاً مسلط بود، با این حال نیاز نمی‌دید در مشهد روی مصالح عامه حوزه‌ها، ترویج فلسفه کند، به همین دلیل نیز تا

حکیمی، مهدیه تقریباً از جویندگان وادی معرفت، طلاب و فضلا و حتی اساتید مبرز پُر شد.

تقریباً ۳ یا ۴ نسل از طلاب علم در این درس جمع شده بودند؛ اتفاقی که هرگز کسی مانند آن را حتی در گذشته تاریخ حوزه علمی مشهد و در دشت پهناور و معرفت خیز طوس و نیشابور به یاد نداشت. کسانی در این درس حاضر می شدند که خودشان جزو اساتید بزرگ حوزه بودند و تا ۶۰ سال، کمتر و بیشتر سن داشتند. این اجتماع در حوزه مشهد، بدیع و تازه و یک درس بسیار جامع و با اهت بود.^{۳۰}

درس آیت الله میلانی با همین ویژگی‌ها به تعبیر استاد غلامحسین آهنیان، بیش از ۲۰ سال در حوزه مشهد، به عنوان مهم‌ترین درس خارج دوام آورد.^{۳۱}

ایشان توانست طی بیش از ۲ دهه در مشهد شاگردان برجسته‌ای را با تکیه بر تقویت ملکه اجتهاد در آنان و انتقال از قوه به فعلیت و پرهیز از انباشتگی ذهن، تربیت کند. هر یک از این افراد به نوبه خود توانستند منشأ تحولاتی در حوزه و حتی جوامع اسلامی و انسانی شوند که مثال عالی آن آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای است.

آیت الله میلانی در ۱۳ ذیحجه ۱۳۸۰/۷ خرداد ۱۳۴۰

پایان حیات هیچ بحث فلسفی را در مشهد مطرح نکرد.

۳. نکته سوم ملاکات احکام است. اگر ملاکات احکام را فقیه استنباط کرد، همان تنقیح مناط قطعی است.

دستیابی به قدرت علم

آیت الله میلانی بیش از ۶۰ سال از عمر خود را در سه جهان شهر شیعه؛ یعنی نجف، کربلا و مشهد به تدریس سپری کردند. این مقدار اشتغال به درس و بحث در بالاترین سطوح و با ممتازترین شاگردان، ادامه راه استادش مرحوم کمپانی بود. چهره‌های بلندپایه زیادی در مکتب علمی و فقهی آیت الله میلانی پرورش یافتند که برآمده از فرهنگ‌های مختلفی بودند. سید محمدسعید عبقاتی فرزند میرحامد حسین، سید ابراهیم علم‌الهدی، سید محمدعلی قاضی طباطبایی،

علامه شیخ محمدتقی جعفری، سید مرتضی عسکری، علامه سید جلال‌الدین ارموی و فرزند خودش آیت الله سید عباس میلانی، فقط تعدادی از شاگردان نجف و کربلای آیت الله میلانی بودند.

جایگاه و پیشینه و توانایی آیت الله میلانی سبب شد وقتی نخستین بار در مهدیه مشهد تدریس را آغاز کردند، به روایت استاد فقیه محمدرضا

ایشان توانست طی بیش از دو دهه در مشهد شاگردان برجسته‌ای را با تکیه بر تقویت ملکه اجتهاد در آنان و انتقال از قوه به فعلیت و پرهیز از انباشتگی ذهن، تربیت کند. هر یک از این افراد به نوبه خود توانستند منشأ تحولاتی در حوزه و حتی جوامع اسلامی و انسانی شوند که مثال عالی آن آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای است.

طی نوشته‌ای خطاب به آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان یکی از شاگردان ممتاز خود، اجازه‌روایت و امور حسبی را دادند. در این اجازه‌نامه از ایشان با عناوینی چون «علم‌الاعلام»، «فخر الانام»، «قدوه الفضلاء الکرام» و «غیاث الاسلام» تعبیر کرده‌اند. آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای نیز به نوبه خود و حسب سنت اسلامی، در جایگاه‌های فراوانی از بیانات‌شان، از زحمات استاد گران‌قدرشان قدردانی کرده‌اند و جایگاه علمی ایشان را ستوده‌اند.

گسترش اجتهاد

آیین مقدس اسلام در زمینه گسترش دانش در میان همه طبقات جامعه، گام‌های بزرگی برداشته و از این راه، زمینه تحقق تمدن اسلامی را فراهم کرده است. آیت‌الله میلانی در تمام دوران تلاش‌های علمی خود افزون بر ترویج توسعه دانش‌ها، به گسترش اجتهاد میان نخبگان نیز اقدام کرده‌اند. به نقل از آیت‌الله دکتر سید فاضل حسینی میلانی، آیت‌الله میلانی در روزگار جوانی خدمت آیت‌الله‌العظمی سید ابوالحسن اصفهانی رفته بود و به ایشان پیشنهاد داده بود باید کاری کنیم که حوزه نجف از بی‌نظمی خارج شود.^{۳۲} طی دیدار با آیت‌الله‌العظمی بروجردی در قم هم به ایشان گفته بودند: آقا حدود ۳۰ سال قبل محضر آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی رسیدم و عرض کردم و پیشنهادی به معظّم‌له دادم و پاسخی از ایشان شنیدم

که خدمت شما عرض می‌کنم. وقتی سخنم تمام شد، آیت‌الله بروجردی فرمودند: آقای میلانی برای عملی‌شدن پیشنهاد شما، باید مرجعیت یگانه‌ای در حوزه‌های علمی شیعه باشد و یا شرایط، نشان‌دهنده اتحاد و اتفاق میان آقایان مراجع باشد. آیت‌الله میلانی به آیت‌الله‌العظمی بروجردی گفته بودند اکنون شما مرجعیت مطلق شیعه هستید و ایشان در جواب چیزی نگفتند. تا اینکه روزی، قاصدی از طرف آیت‌الله بروجردی به مشهد آمد و گفت آقای بروجردی می‌فرماید آیا هنوز آن طرح نظم و تحول در حوزه علمیه در ذهن شما هست؟ اگر تمایل دارید به حوزه علمیه قم بیاوید و مستقر شوید تا طرح خودتان را عملی کنید. من تا زنده هستم از طرح تحول شما حمایت می‌کنم.^{۳۳}

ایشان پیش از آن نیز بر اساس همین طرح عمل کرده بود. چون وقتی خود یکی از اساتید مبرز حوزه علمیه نجف شد، در این کانون علمی شیعه، مؤسّسین منتدی النشر را به انجام طرح آموزشی خود تشویق کرد و در کربلا، عملاً از محصلان باتقوا و مستعد را با پرداخت کمک‌هزینه تحصیلی به ادامه تحصیل تشویق می‌کردند. همچنین در جریان قیام ۱۵ خرداد ۴۲ و سفر به تهران، طی دیدار شهید بهشتی، شهید مفتح، شهید قدوسی، شیخ مهدی تهرانی، سید مرتضی جزایری و حاج شیخ حسین حقانی با ایشان، با تأسیس مدرسه منتظریه (حقانی) قم با حمایت مادی و معنوی خود موافقت کردند.

یابند. در اولین سال حضور ایشان در مشهد، حوزه تنها ۵۰۰ طلبه داشت، ولی هنگام وفات ایشان، یعنی سال ۱۳۵۴ش، تعداد محصلان حوزه به ۳۵۰۰ نفر بالغ شده بود.

در آخرین سال‌های حیات آیت‌الله میلانی، آیت‌الله سید علی خامنه‌ای به‌عنوان یکی از زنده‌ترین تحصیل‌کردگان مکتب ایشان، با رویکردهای نوین خود به مباحث علمی و دینی، جریان نو و پویایی را در حوزه مشهد به‌وجود آورد. ایشان در کنار تلاش‌های بی‌وقفه سیاسی به ترویج علوم حوزوی همت گماشت و با تدریس مکاسب محرمة در مسجد حوض نو و مسجد مقابل سلیمان خان، به پرورش استعدادهای درخشان حوزه روی آورد.

درس‌های آیت‌الله خامنه‌ای، یکی از شلوغ‌ترین درس‌های حوزه پیش از انقلاب اسلامی بود. با این حال تأثیر ایشان تنها به این مقدار محدود نمی‌شود. رویکرد به نیروهای جوان و تحصیل‌کرده، ارتباط نزدیک با آنها و طلاب آگاه و جهت‌دادن به مطالعات دینی و سیاسی آنها، تشویق نیروهای کیفی حوزه و دانشگاه به تسریع مبارزات سیاسی، مشارکت با روحانیت پیشگام در براندازی رژیم شاه و در کنار همه اینها تحقیق و تألیف و تحمل زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها، همه اسباب دلبستگی نیروهای فعال جامعه را به ایشان و زمینه درک کاربردی از علوم اسلامی را فراهم ساخت. این افراد تاکنون بستر فعالیت‌های علمی سترگ و طرح‌های بسیار

این مدرسه در سال ۴۲ در قم تأسیس شد و پس از برنامه‌ریزی به سبک نوین و افزودن مواد درسی جدید و با مدیریت و سرپرستی شهید قدوسی و درخواست از اساتید برجسته و نام‌دار حوزه قم از جمله آیت‌الله حاج سید موسی شبیری زنجانی جهت تدریس، این مدرسه به یکی از موفق‌ترین مدرسه‌های قم در عصر اختناق پهلوی تبدیل شد.^{۳۴}

آیت‌الله میلانی در مشهد نیز مدارس خود را براساس این روش تأسیس کردند. ثمره برنامه‌ریزی علمی و فرهنگی ایشان، بعدها به‌ویژه در جریان انقلاب اسلامی نمود یافت و تحصیل‌کردگان مکتب ایشان توانستند در همه سطوح جامعه، خدمات ارزشمندی ارائه دهند.

مدیریت مدارس آیت‌الله میلانی، از شرکت محصلان در محافل علمی دیگر ممانعت نمی‌کرد. فعالیت‌های این مدارس در شرایطی آغاز شده بود که روحانیت انقلابی، جریان‌های ۱۳۴۲ش را به رهبری امام خمینی و هماهنگی آیت‌الله میلانی و مراجع دیگر، پشت سر گذاشته بودند و راه اقدام مستقیم و رو در رو، داخل کشور بسته بود. در این شرایط، فعالیت فرهنگی درازمدت بهترین اقدامی بود که حوزه برای احیای خود و تقویت بنیه‌های فکری‌اش برای رویارویی‌های بعدی نیاز داشت.

مدارس ایشان در مجموع، ۱۳۰۰ نفر محصل را جذب کرد که پس از گذراندن ۱۵ سال می‌توانستند به مدارج عالی دست

نوین و تولید اندیشه‌های تمدنی و مدیریت استمرار حوزه‌های مطالعاتی موردنیاز و تولید دانش‌های نوین را در اختیار داشته‌اند و خدمات بی‌مانندی را در عرصه تحولات علمی و فرهنگی ارائه داده‌اند که در کمتر جایی به درستی بازتاب یافته است.

آیت‌الله میلانی در سال‌های آخر عمر خود به این نکته می‌اندیشید که حوزه مشهد را به کانون حضور فضلا از ملیت‌های گوناگون تبدیل کند. بر اساس گزارش ساواک خراسان به تیمسار ریاست ساواک اداره کل سوم استان خراسان، آیت‌الله میلانی در ملاقاتی که ۷ دی‌ماه سال ۱۳۵۱ش، درباره دانشگاه‌ها و مجامع دینی با او داشت، به دانشگاه الازهر، جامعه مدینه و عراق اشاره کرده و گفته بودند: «علل معروفیت این مؤسسات دینی آن است که این مراکز، کلیه اتباع کشورهای مختلف را بدون قید و شرط پذیرفته و ضمن کمک به این افراد در حین تحصیل به کشورهای متبوعه اعزام می‌کنند. این مراکز از همه کشورهای دانشجو قبول می‌کنند و پس از اتمام دوره تحصیلی، آنان را به کشورهای خود اعزام می‌نمایند؛ به همین دلیل این مجامع در حال حاضر مرکزیتی در دنیای اسلام و جامعه روحانیت به دست آورده‌اند و اشخاص زیادی به آنها هجوم آورده‌اند و این کشورها، موطن دوم این افراد گردیده است. ما مراجعات زیادی از اتباع کشورهای پاکستان، افغانستان، هند و لبنان داریم که از ما می‌خواهند به طلاب

آنها برای تحصیل داده اجازه اقامت شود، ولی چون گذرنامه این افراد تبدیل نمی‌گردد و اقامت آنها موقت است، پس از سه ماه از کشور اخراج می‌شوند. در نتیجه این افراد نیز به مراکز یادشده مراجعه می‌کنند. اگر ترتیبی داده شود که آنان به‌عنوان محصل علوم دینی، اجازه اقامت و درس و بحث بگیرند، به‌طور قطع مشهد و مدارس علوم دینی ایران نیز در ردیف دانشگاه الازهر، جامعه مدینه یا مدرسه نجف خواهد بود. در این صورت است که ما نیز می‌توانیم مبلغانی از راه دین و به نفع کشور و در سطح جهانی به‌وجود آوریم.^{۳۵}

ترویج مبانی

حکمت، اساس تمدن است. حکمت می‌تواند توازن اندیشه و عمل انسان را ممکن سازد. کنشی که در تمدن‌سازی بسیار مهم است. حکمت و موعظه حسنه و جدال احسن از راه‌هایی است که اسلام دعوت خود را بر آن اساس قرار داده است. مراد از حکمت، دلیلی است که از طریق برهان انسان را به حق می‌رساند، به‌گونه‌ای که هیچ شک و ابهامی در آن نماند. موعظه، بیانی است که نفس شنونده را نرم و قابل کنترل و قلبش را برای پذیرش حق رقیق می‌کند؛ اما جدال، دلیلی است که تنها برای منصرف‌نمودن خصم از آنچه بر سر آن نزاع می‌کند، به‌کار برده می‌شود.

در میان سه‌گانه فوق، موعظه چون به ابعاد عاطفی انسان‌ها توجه دارد، از جایگاهی

و حقوقی خود، و برقراری ارتباط با یکدیگر و ارتباط با جوامع دیگر و مقابله با تهاجم فرهنگی دشمنان دین و حامیان فرهنگ‌های ویرانگر غرب و شرق و مبارزه با فساد عمومی بود.

آیت‌الله میلانی با مبلغان توانای دینی از اصناف مختلف، اعم از هنرمندان، سخنوران، شعرا، دانشوران و صاحب‌نظران و اهل قلم ارتباط داشت و به آنها بها می‌داد و ایشان را برای ارائه دیدگاه‌های تبلیغی موردنیاز، در مجالس هفتگی خود - که در تمام سال‌های حضورشان در مشهد، در خانه و مدرسه ایشان برگزار می‌شد - دعوت می‌کرد.

آیت‌الله میلانی لازم می‌دید در حرم مطهر رضوی، مسجد گوهرشاد، کانون نشر حقایق اسلامی و مهدیه مرحوم عابدزاده در جشن‌های نیمه شعبان و نیز بیوت علما در مراسم مختلف شرکت کند و از مبلغان برجسته شهر تجلیل می‌کرد و آنها را برای شرکت در مراسم بیت خود دعوت می‌نمود. در طول دهه‌های چهل نیز که نهضت خرداد اتفاق افتاد، مبلغان زیادی در مشهد فعال بودند و یا به این شهر آمدوشد داشتند. این مبلغان به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با آیت‌الله میلانی یا بیت ایشان، ارتباط داشتند.

آیت‌الله میلانی در دهه‌های ۳۰ تا ۵۰، در مجالس و مراکز مهم و اثرگذار و جلسات باشکوه از سخنوران نامی کشور مانند مرحوم شیخ محمدتقی فلسفی و یا شیخ محمدتقی

ویژه در تاریخ شیعه برخوردار بوده است. به همین دلیل عموم علمای بزرگ شیعه، از فرصت‌هایی که پیش می‌آمد برای موعظه به صورت مکتوب یا شفاهی و برای خواص یا عموم مردم، پیوسته استفاده می‌کردند.

امر تبلیغ که در بردارنده نحوه برقراری ارتباط حکمی، علمی و دینی از سوی مبلغ با افراد یا مجموعه‌های انسانی است، بیشتر در قالب جلساتی به مناسبت‌های تاریخی در بیوت علما یا مساجد و مدارس و یا حسینیه‌ها و با حضور آحادی از طبقات مختلف جامعه یا مجموعه‌های فرهنگی یا خانوادگی تشکیل می‌شود و افراد در حین گفت‌وگوها با حقایق بی‌شماری آشنا می‌شوند. در این جلسات، جز علما، رجال سیاسی و فرهنگی، گاهی طلبه‌ها، بازاریان، هیئت‌های مذهبی، دانشجویان و دانش‌آموزان نیز شرکت می‌کنند.^{۳۶}

آیت‌الله میلانی از عنصر تبلیغ، بیشتر برای اعتلای کلمه حق و احقاق آن و ارتقای سطح فکری و نظری و عملی آحاد جامعه، بهره می‌برد. او در تمام مقاطع حیات خود پیوسته و تقریباً بی‌وقفه، در پی راه‌های این اعتلا و احقاق حق در میان خانواده‌ها و دیگر مسلمانان و انسان‌ها بوده است.

ایشان در مواجهه با نظام وابسته پهلوی، به منظور بیداری عمومی جامعه و به تعبیر بهتر جامعه‌سازی و برای دستیابی به ساحت یک تمدن فراگیر، آگاهانه، به دنبال آشنا کردن مردم با وظایف دینی و شرعی

قمی و علامه مرتضی مطهری یا شهید سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد دعوت می‌کرد تا دربارهٔ یک جریان فکری یا رخداد مهم که به امور سیاسی کشور مربوط می‌شد؛ مانند اخراج ایرانیان از عراق یا جریان مربوط به وحدت اسلامی صحبت و سخنرانی کنند.

در زمان آیت‌الله میلانی بیشتر هیأت‌های مذهبی، به‌لحاظ سطح آگاهی از دین و سیاست و فرهنگ با نارسایی و کاستی روبه‌رو بودند. اما انجمن‌ها از جمله انجمن تبلیغات اسلامی، کانون نشر حقایق اسلامی، انجمن پیروان قرآن و کانون بحث و انتقاد دینی، در رشد فکری و فهم دینی مردم به‌ویژه جوانان و تحصیل‌کردگان تأثیر خوبی داشتند. این بود که ایشان پس از ورود و استقرار در مشهد، نسبت به ارتباط و حمایت مادی و معنوی از این انجمن‌ها توجه بیشتری نشان داد و با مدیران آنها ارتباطی پیوسته برقرار کرد.

آیت‌الله میلانی شناختی عمیق نسبت به جایگاه تبلیغ در نشر حقایق اسلامی و مبارزه با حکومت‌های جور داشت و مشتاق بود تا افزون بر تبلیغ سنتی و بهره‌گیری از سخنوران، بتواند نشریه‌ای را منتشر کند.^{۳۷} اما موانعی که حکومت پهلوی برای نشر مطبوعات به‌وجود می‌آورد، سبب شد تا در فعالیت‌های مختلف سیاسی خود، بیشتر سراغ مبلغان انقلابی برود و از آنان برای بالابردن آگاهی اجتماعی بهره‌گیرد. ایشان در پاسخ نامهٔ آقای استاد مرتضی مطهری، دربارهٔ حسینیهٔ ارشاد در ۲۰ شوال ۱۳۸۹ ق/۹

دی ۱۳۴۸ش از اینکه در آنجا خدمات دینی و مذهبی نافع و مؤثر به طبقات مختلف، به‌ویژه جوانان ارائه گردیده است، ابزار خوشوقتی کرد و یاد آور شد: «پیوسته میل داشته و دارم مجامع و نشریاتی باشد تا این طبقه که مردان آیندهٔ مملکت خواهند بود، بهره‌مند و متدین گردند».^{۳۸}

آیت‌الله میلانی پیشنهاد آقای مطهری نسبت به تشکیل مجمع علمی و ایجاد حوزه‌های مطالعاتی و پژوهشی و انتشاراتی را بسیار تحسین نموده و تأیید کردند که در این ایام، بسیار مشکل است فردی بتواند عهده‌دار همهٔ جهات شود و معاضد و مساعدی نداشته باشد. همچنین توصیه کردند از افرادی واجد شرایط معنوی، برای ایراد سخنرانی و القای محاضره استفاده شود.^{۳۹}

آیت‌الله میلانی با حضور خود در سخنرانی‌های سخنوران برجسته، ضمن تکریم آنان، از ایشان حمایت می‌کرد و در مسیر فعالیت‌شان مورد تشویق قرار می‌داد. یکی از این شخصیت‌ها، حاج شیخ عباسعلی اسلامی بود که شعبهٔ جامعهٔ تعلیمات اسلامی را در مشهد فعال کرده بود. ایشان از افراد موردعلاقهٔ آیت‌الله میلانی و طرف مشورت ایشان بود و هرازچندگاهی در سخنرانی‌های ایشان شرکت می‌کرد.

گاهی در اعیاد خوانندگان که صدای خوشی داشتند از تهران به خانه یا مدرسهٔ بزرگ ایشان می‌آمدند و مردم را بهره‌مند می‌کردند. گاهی شعرا اشعار خود را می‌خواندند. از جملهٔ این شعرا دکتر قاسم

میلانی توانستند با پی‌گیری‌های خود، ایشان را به هامبورگ اعزام کنند.

در تجربه سیاسی و علمی آیت‌الله میلانی مؤلفه‌های مختلفی وجود داشت که مهمترین آنها عبارتند از: اعتقاد به فاصله‌داشتن جامعه اسلامی از وضع مطلوب، باور به ضرورت رجوع به کتاب و سنت برای دریافت نحوه زندگی در دنیای جدید، ضرورت تلاش برای بازیابی هویت ملی، فرهنگی و دینی از دست‌رفته، احساس کوتاهی نسبت به انجام وظایف اسلامی و بسنده کردن به وظایف فردی از منظر بیدارگران مسلمان، ضرورت تلاش جمعی برای تحقق دین در جامعه، درک ضرورت دستیابی به راه‌حل‌های دینی برای

ایجاد تعامل با جهان مدرن، باور به ناهمدلی غرب با جهان اسلام و به چالش کشیده شدن سرمایه‌های معنوی و فرهنگی و ارزش‌های اخلاقی و اعتقادی مسلمانان از سوی غرب، ضرورت دستیابی به قرائت جامع و جدید از متون دینی، تمایل به داشتن نقشی واقعی در معادلات جهانی و یافتن جایگاه خود.

نقطه ثقل تفکر آیت‌الله میلانی در بحث تبلیغ، انتقال تعالیم اسلام و نشر آن بود، نه استفاده تهری از فن خطابه و احیاناً نرم‌کردن عواطف. ایشان

رسا، ملک‌الشعراي آستان قدس رضوی یا برخی از شعراي بنام عراق و لبنان بودند که مدایح و قصاید خود را در جمع می‌خواندند و مورد تشویق مردم قرار می‌گرفتند.

آیت‌الله میلانی به‌ویژه از نفوذ صهیونیست‌ها و فرقه بهابیت در ارکان اقتصادی و سیاسی ایران در دوره حاکمیت پهلوی‌ها، بیمناک بود و در اعلامیه‌ها و مکاتبات و سخنرانی‌های خود بارها به این موضوع اشاره می‌کند. ایشان به رژیم پهلوی به‌عنوان یک رژیم تحمیلی به ملت ایران و وابسته به اراده بیگانگان می‌نگریست و در حافظه خویش، نام این رژیم را به‌عنوان یک دستگاه فاسد و وابسته ثبت کرده بود؛ رژیمی

که علت موجد آن کودتای انگلیسی اسفند ۱۲۹۹ و علت مبقیه آن کودتای آمریکایی-انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود. آیت‌الله میلانی می‌کوشید تبلیغ در سطح بین‌المللی باشد. در اردیبهشت سال ۱۳۴۲ دکتر سید محمد بهشتی از نخستین مبلغان برجسته‌ای بودند که به پیشنهاد آیت‌الله شیخ مرتضی حائری برای اعزام به آلمان در نظر گرفته شد. بنابراین از طریق آقای جعفر خوانساری، فرزند آیت‌الله سید احمد خوانساری، ممنوع‌الخروج بودن آقای بهشتی برطرف شد و آیت‌الله

آیت‌الله میلانی به‌ویژه از نفوذ صهیونیست‌ها و فرقه بهابیت در ارکان اقتصادی و سیاسی ایران در دوره حاکمیت پهلوی‌ها، بیمناک بود و در اعلامیه‌ها و مکاتبات و سخنرانی‌های خود بارها به این موضوع اشاره می‌کند. ایشان به رژیم پهلوی به‌عنوان یک رژیم تحمیلی به ملت ایران و وابسته به اراده بیگانگان می‌نگریست و در حافظه خویش، نام این رژیم را به‌عنوان یک دستگاه فاسد و وابسته ثبت کرده بود؛ رژیمی که علت موجد آن کودتای انگلیسی اسفند ۱۲۹۹ و علت مبقیه آن کودتای آمریکایی-انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود.

دین را یک جریان فردی نمی‌دانستند، بلکه آن را حقیقتی مشرف بر همه فعالیت‌های فردی و اجتماعی انسان و رابطه انسان با خدا و طبیعت تلقی می‌کردند و فردی‌شدن دین در جوامع اسلامی را از دسیسه‌های غرب در میان مسلمانان می‌دانستند.

ایشان تفرقه‌افکنی دولتمردان و دشمنان را دلیل اصلی تضعیف فرهنگ اسلامی و تلقین خودکم‌بینی و انحراف از جریان بیداری و وحدت اسلامی، چالش‌های فرهنگی و سیاسی، بی‌توجهی دولتمردان به ارزش‌ها و شکاف میان مردم و دولتمردان می‌دانست. آیت‌الله میلانی به‌منظور رفع موانع از ارتباطات و فرصت‌های خود نه‌ایت استفاده را

می‌برد. ایشان به وجود مردان پاک و متدین و متفکر و دانشمند احساس نیاز می‌کرد و معتقد بود باید به آنها امتیاز داد و با آنان آشنا و هم‌دست و هم‌داستان شد. همچنین باید بعضی از کارها را از طریق آنان پیش برد تا نتیجه به دست آید، حتی اگر نتیجه به فعلیت نرسد، اجرای بعضی امور به دست آنان موجب تقویت روحیه و روابط خواهد بود. ایشان بر این باور بود که عالمان دین باید در این دوره تاریک و رویه باریک، کاملاً از اهل‌خبره و بصیرت به اوضاع دنیا، نقشه را به دست آورند، چون نقشه، وحدت می‌آورد و وحدت، منشأ تولید قدرت است و گزینه آینده، حتی با پیدایش تغییرات بسیار پرمخاطره است.^{۴۰}

پی‌نوشت‌ها

۱. منظور ایشان آقا میرزا احمد آشتیانی بود. فردی که نجف رفته، درس خوانده و فیلسوف و از شاگردان نایینی بود. (گفت‌وگو با آیت‌الله سید حسین شمس، مصاحبه‌ها، به کوشش سید محمدعلی ایازی و حسن پویا، دفتر فرهنگی مفاخر خراسان، مؤسسه آیت‌الله‌العظمی‌المیلانی لإحياء الفکر الشیعی، ص ۶۰-۶۱).
۲. معاونت پژوهش دفتر تبلیغات اسلامی مشهد، صدرای زمان، ص ۱۶.
۳. محمدرضا حکیمی، مکتب تفکیک، ویژه‌نامه شماره ۱، بنیاد تاریخ و فرهنگ
۴. معاصر، ص ۲۰۸.
۴. مهدی علی‌پور، درآمدی به تاریخ علم اصول، ص ۴۳۶.
۵. محمدرضا مظفر، مقدمه دیوان کمپانی.
۶. سیدمحمد هادی میلانی، کلمات، ص ۱۸.
۷. همان، ص ۱۷.
۸. سیدمحمد هادی میلانی، مکاتبات حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدمحمد هادی میلانی، ص ۱۷۷.
۹. همان، ص ۵۳.
۱۰. سیدمحمد هادی میلانی، کلمات، ص ۵۵.
۱۱. همان، ص ۵۶.
۱۲. باقر پیرنیا، گذر عمر؛ خاطرات سیاسی

- باقر پیرنیا، ص ۳۴۳.
۱۳. آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدهادی میلانی به روایت اسناد ساواک، ج ۳، ص ۳-۱.
۱۴. سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک، ج ۱۸، ص ۱۲۷.
۱۵. رک: اورعی، سیدجواد، اندیشه‌های اصلاح‌طلبانه کاشف الغطاء، ویژه‌نامه کاشف الغطاء، روزنامه جمهوری اسلامی، اردیبهشت ۱۳۷۲/۴۱
۱۶. رک: مقدمه ایفاظ النائین، ص ۲۳.
۱۷. یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج ۵، ص ۱۶۶.
۱۸. مصاحبه‌ها، گفت‌وگو با آیت‌الله‌العظمی جعفر سبحانی، ص ۴۹.
۱۹. جمعی از نویسندگان، مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین سید مصطفی محقق‌داماد، ص ۱۱۷.
۲۰. احمد مهدوی دامغانی، ذکر جمیل شیخ محمد، قرآن‌پژوه روشن‌بین، ص ۳۲.
۲۱. شریعتی به روایت اسناد ساواک، ج ۲، ص ۲۲۷-۲۲۸.
۲۲. خاطرات محمد مهدی عبدخدائی، ص ۲۹۴.
۲۳. غلامرضا جلالی، تقویم تاریخ خراسان، ص ۱۶۶.
۲۴. آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدهادی میلانی به روایت اسناد ساواک، ج ۳، ص ۴۹۴-۴۹۶.
۲۵. روزنامه خراسان، ۱۵/۹/۵۱، ص ۲.
۲۶. آفتاب شرق، ۱۶/۹/۱۳۵۱، ص ۷.
۲۷. آفتاب شرق، ۲۲/۳/۱۳۵۲، ص ۸.
۲۸. مصطفی غفاری، از نیمه خرداد، ص ۱۶ و ۱۷.
۲۹. محمدرضا حکیمی، تاریخ و فرهنگ معاصر، ص ۱۹۱.
۳۰. سید محمدعلی ایازی؛ حسن پویا، گفتگو با استاد محمدرضا حکیمی، ص ۲۵۲.
۳۱. غلامحسین آهنیان، فقیه روشن‌اندیش شیخ هاشم قزوینی از نگاه شاگردانش، ص ۲۳.
۳۲. سید محمدعلی ایازی، مصاحبه‌ها، ص ۲۰۴-۲۰۶.
۳۳. همان، ص ۲۰۷-۲۰۸.
۳۴. سید موسی شبیری زنجانی، جرعه‌ای از دریا، ج ۳، ص ۵۷۹.
۳۵. آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدهادی میلانی به روایت اسناد ساواک، ج ۳، ص ۵۵۱-۵۵۲.
۳۶. واعظ شهیر حجت‌الاسلم حاج شیخ احمد کافی به روایت اسناد ساواک، ص ۹.
۳۷. سیدمحمدهادی میلانی، مکاتبات، ص ۳۰.
۳۸. جمعی از نویسندگان، نامه‌ها و ناگفته‌ها؛ مجموعه‌ای از نامه‌های شخصیت‌ها به استاد مطهری و نامه‌ها و یادداشت‌های ویژه استاد، ص ۲۷.
۳۹. همان، ص ۲۸.
۴۰. همان، ص ۲۵.

منابع

۱. ایازی، سید محمدعلی، گفت‌وگو با آیت‌الله سید حسین شمس، مصاحبه‌ها، به کوشش سید محمد علی ایازی، همایش بزرگداشت آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدهادی میلانی، دفتر مفاخر فرهنگی و مؤسسه آیت‌الله‌العظمی میلانی لإحياء الفكر الشيعي، قم، ۱۳۹۵ش.
۲. پیرنیا، باقر، گذر عمر؛ خاطرات سیاسی باقر پیرنیا، با مقدمه عبدالله شهبازی، تهران: انتشارات کویر، ۱۳۸۲ش.
۳. جلالی، غلامرضا، تقویم تاریخ خراسان، حسینی، سید مهدی، خاطرات محمد مهدی عبدخدایی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹ش.
۴. حکیمی، محمدرضا، مکتب تفکیک، ویژه‌نامه شماره ۱، بنیاد تاریخ و فرهنگ معاصر.
۵. شبیری زنجانی، سید موسی، جرعه‌ای از دریا، ج ۳، قم: مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه، ۱۳۹۴.
۶. طیرانی، بهروز، نامه‌ها؛ زندگی‌نامه، اسناد و نامه‌های آیت‌الله حاج سیدرضا زنجانی، تهران: انتشارات صمدیه، ۱۳۸۸ش.
۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین و دیگران، بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۱ش.
۸. علی‌پور، مهدی، درآمدی به تاریخ علم اصول، قم: جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۷ش.
۹. غفاری، مصطفی، از نیمه خرداد، طرحی از اندیشه و رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تهران: نهضت نرم‌افزاری، وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۶ش.
۱۰. فلسفی، محمدتقی، خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶ش.
۱۱. مقدمه ایفاظا النائین.
۱۲. مظفر، محمدرضا، مقدمه دیوان کمپانی، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۳۸ش.
۱۳. معاونت پژوهش دفتر تبلیغات اسلامی مشهد، صدرای زمان؛ یادنامه حکیم متاله سید جلال‌الدین آشتیانی، مشهد: دفتر تبلیغات اسلامی خراسان شعبه خراسان رضوی، ۱۳۸۴ش.
۱۴. مهریزی، مهدی، مکاتبات حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدهادی میلانی، با همکاری هادی ربانی، همایش بزرگداشت آیت‌الله‌العظمی میلانی، دفتر فرهنگی مفاخر خراسان، قم: نشر سهل، ۱۳۹۶ش.
۱۵. میلانی، سیدمحمدهادی، کلمات، تصحیح محمدرضا نوراللهیان و شرح محمد صادق کاملن، قم: دفتر فرهنگی مفاخر خراسان و مؤسسه آیت‌الله‌العظمی

۲۲. مصاحبه‌ها، گفت‌وگو با آیت‌الله‌العظمی جعفر سبحانی.
- اسناد**
۲۳. آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدهادی میلانی به روایت اسناد ساواک، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۰ش.
۲۴. حجت‌الاسلام حاج شیخ عباسعلی اسلامی به روایت اسناد ساواک، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۳ش.
۲۵. یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج ۵.
۲۶. شریعتی به روایت اسناد ساواک، ج ۲.
۲۷. سیر مبارزات امام خمینی ره در آینه اسناد به روایت ساواک، ج ۱۸.
۲۸. نامه آیت‌الله میلانی خطاب به مرتضی مطهری، نامه‌ها و ناگفته‌ها، مجموعه‌ای از نامه‌های شخصیت‌ها به استاد مطهری و نامه‌ها و یادداشت‌های ویژه استاد، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۲ش.
۲۹. واعظ شهیر حجت‌الاسلام حاج شیخ احمد کافی به روایت اسناد ساواک.
۳۰. روزنامه خراسان، ۵۱/۹/۱۵، ص ۲.
۳۱. روزنامه آفتاب شرق، ۱۰/۲۰/۱۳۵۱ش.
۳۲. روزنامه آفتاب شرق، ۱۶/۹/۱۳۵۱ش.
۳۳. روزنامه آفتاب شرق، ۲۲/۳/۱۳۵۲ش.
- میلانی لایحه‌الفکر الشیعی، ۱۳۹۵ش.
۱۷. میلانی، سیدمحمدهادی، مکاتبات حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدهادی میلانی، نامه ایشان به آیت‌الله‌العظمی سید عزالدین زنجانی.
۱۸. سنابادی عزیز، نورالدین حسین، نظرزاده، محمد، فقیه روشن اندیش؛ شیخ هاشم قزوینی از نگاه شاگردانش، مشهد: مرکز اسناد و مطبوعات آستان قدس، ۱۴۰۳ش.
۱۹. علمی اردبیلی، علی، حیات علمی و اخلاقی آیت‌الله شیخ محمد علی علمی اردبیلی (۱۲۸۸-۱۳۶۶ش)، مصاحبه غلامرضا جلالی، یادنگار فقیه ژرف اندیش حضرت آیت‌الله میرزا علی علمی اردبیلی، چشمه سخن، مشهد، ۱۳۹۲ش.
۲۰. مهدوی دامغانی، احمد، ذکر جمیل شیخ محمد، قرآن پژوه روشن‌بین، ویژه سومین همایش تفسیر و تفسیر نگاری در سده اخیر حوزه علمیه خراسان، مشهد: دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی، ۱۳۹۶ش.
۲۱. ورعی، سید جواد، اندیشه‌های اصلاح‌طلبانه کاشف‌الغطاء، ویژه‌نامه کاشف‌الغطاء، روزنامه جمهوری اسلامی، اردیبهشت ۱۳۷۲/۴۱